

از لابلای نبشته های روزمره

همسویی و کنار آمدن بخشی از نیروهای با طیف مشترک

بهم پیوستگی پایدار یا ائتلاف شکننده؟

مطالعه و بررسی سیر حوادث و چگونگی تشکیل دسته بندیها و گروه بندیهایی که در طول وقایع تکوین پذیرفته و یا در شرف وقوع میباشند، این واقعیت را برجسته میسازد که با تغییر وضعیت مربوط به حوادث، همیشه موضعگیریها، موقفا و صف آراییی ها، اتحادها، ائتلافها، کنار آمدن ها، کنار رفتنها و بسا موارد مختلف دیگر تغییر نموده و با وجود آنکه هدف بمثابة غایت کلی، ثابت باقی میماند، اما وسایل و راههای نیل باین مطلوب در حال تغییر و تحول میباشد. مطابق اطلاعات موجود، این واقعیت برملا میگردد که طی ماههای اخیر، بخشی از "طالب" ها به سایه "خلافت اسلامی" (داعش) پناه برده و گروههای تروریستی یادشده در نظر دارند تا تهدیدهایی را متوجه آسیای میانه نمایند. مقام های امنیتی کشورهای مستقل مشترک المنافع اظهار داشتند که علل عمده نگرانی آنها، تشدید تشنج و ادامه درگیری ها در افغانستان میباشد. همچنین آنها ابراز داشتند که در سرحدات شمالی کشور، دسته بندیهای تروریستانی که قبلاً جز "طالب" ها محسوب میگرددند، کنون بمثابة جنگجویان "خلافت اسلامی" (داعش)، اخذ موقع نموده اند که بصورت کلی خطرات و تهدیدهایی را متوجه آسیای میانه می نمایند.

بنابر اطلاعات و گزارشهای موجود، حضور مزدوران خارجی در صفوف "خلافت اسلامی" (داعش)، رقم معینی را تشکیل میدهند، تعداد متذکره، بصورت کل مهاجران بیش از یکصد کشور بوده که کنون در صفوف "داعش" مصروف جنگ میباشند، سهم جنگجویان یادشده در حدود ۴۰ درصد تعیین گردیده است.

قابل یادآوری میباشد که بتعداد ده گروه متشکل از باشندده های روسیه، گرجستان، اکرائین و اهالی کشورهای آسیای میانه عرض وجود نموده که در چنین یک وضعیتی، جغرافیای "خلافت" متذکره، بگونه پیوسته وسعت یافته و گسترش مییابد. باید علاوه نمود که بمنظور انجام تمرینات نیروهای جدیداً استخدام شده، اردوگاههای آموزشی استخباراتی و تدارکاتی در سوریه و عراق و همچنان در کشورهای همجوار،

تأسیس گردیده و علاوه بر آن، سرکرده های بسیاری از گروه های تروریستی و بنیادگرای منطقه نیز در بخشهایی از آفریقا، اروپا الی جنوب شرق آسیا به "خلافت اسلامی" (داعش) سوگند وفاداری یاد نموده اند.

کارشناسان امور منطقه یی، چنین ابراز نظر مینمایند که درگام نخست، از رهگذر گروه یادشده، تهدید عمده متوجه منطقه بمفهوم عام کلمه و تهدید علیه دول کشورهای مستقل مشترک المنافع، بمفهوم خاص کلمه موجود می باشد. یادآور باید گردید که امنیت کشورهای یادشده توسط آنده از جنگجویانی که از مناطق داغ نبرد و جنگ در شرق میانه و همچنان بواسطه آنانیکه از منطقه افغانستان – پاکستان برمیگردند، مورد تهدید قرار میگیرد. آنها در عمل، مهارت های توطئه، نحوه انفجار معادن و همچنین چگونگی جنگها و برخوردهای شهری را نیز فراگرفته و با آمادگیهایی وارد عمل میگردند. آنها حوزه ها و مراکز جنگی خودمختاری تشکیل نموده و برای انجام فعالیتها و اقدامات تروریستی آمادگی میگیرند. هدف تروریست ها و ناظران مالی آنها، بصورت یک کل، بی ثباتی اوضاع در کشورهای مستقل مشترک المنافع می باشد.

در چنین شرایطی با در نظر داشت اقدامات غیر موثر ائتلاف بین المللی بسرکردگی ایالات متحده در بخش مربوط به خنثی نمودن تهدیدهای تروریستی در شرق میانه، روسیه به پاسخ دولت قانونی سوریه برهبری بشاراسد در عرصه معاونت و پشتیبانی نظامی از حاکمیت کنونی سوریه، موضعگیری قاطع خویش را در زمینه اعلام داشت. قابل یادآوری میباشد که تصامیمی در مورد، بمنظور پیشدستی در امر جلوگیری از عودت بانددگروپها از کشور مبدأ، باید اقدامات پیشگیرانه ای در زمینه عملی اتخاذ گردد.

بخاطر باید داشت که در کنار کاربرد قوه و اعمال فشار علیه کانون های تروریستی، در خارج از قلمرو کشور نیز باید اقداماتی رویدست گرفته شود. نباید فراموش نمود که از دیداد روز افزون تهدیدهای تروریسم بین المللی سبب میگردد تا سرحدات کشور بصورت جدی مورد مراقبت قرار داده شده تا از عبور و مرور تروریستان جلوگیری بعمل آید.

یادآور باید شد که در این زمینه با وجود کنترل سرحدات، از پخش و گسترش مفکوره تروریسم در داخل کشور نیز باید جداً جلوگیری بعمل آید. باید بصورت دقیق راههای منتهی به مناطق برخورد ها و رفت و آمد در این مسیرها تحت مراقبت و کنترل جدی قرار داده شود تا از رفت و آمد جنگجویان به منطقه جنگی و مورد مناقشه جلوگیری بعمل آید. باید منابع و مراکز تأمینات مادی و مالی آنها شناسایی و از بین برده شده و اقدامات اضافی بر ضد استخدام اهالی به صفوف "خلافت اسلامی" (داعش) صورت گیرد.

کارشناسان و دست اندرکاران امور، یاد آور میشوند که اقدامات جداگانه کشورهای آسیا و آفریقا، جهان را رو در روی برخورد تمدن ها چه در عرصه جهانی و چه در عرصه منطقوی قرار داده است. در عصر کنونی، جامعه بین المللی با فراخوانی جدید ژئوپولیتیکی باند گروپ بین المللی تحت عنوان "خلافت اسلامی" (داعش)، مواجه گردید. طرح متذکره از "بهار عربی" بدنام قد برافراشته و از برکت سیاستهای دوگانه قدرتهای جداگانه جهانی و منطقوی که در صدد شدند به کمک "گوسفند های تروریستی" و بسر رساندن وظایف ستراتیژیک در آسیا و آفریقا، باهدف شان نائل گردند، از قوه بفعل مبدل گردید.

در نتیجه، دول نامبرده جهان را در آستانه تعارض های مدنی و مذهبی که مملو از عواقب ویرانگر بود، قرار دادند.

قابل یادآوری می‌باشد که "خلافت" نامبرده با اشاعه ایدئولوژی تروریسم، مبارزات خویش را بیش از پیش در زمینه مذهبی تشدید می‌بخشد، چون زمینه متذکره بیش از سایر موارد، برایشان مساعد و مهیا می‌باشد. برای "خلافت اسلامی" (داعش) و نیرو‌هایی که در عقب آن قرار دارند، این امکان و فرصت میسرگردید تا بشدت، وضع ادیان و اوضاع سیاسی در شرق میانه و شمال افریقا را دستخوش تغییر و تحول نمایند.

با استفاده از تکنولوژی تبلیغاتی و با الهام از ارزشهای اسلامی و با در نظر داشت اینکه اقشار وسیعی از مسلمانان، عدم اعتماد و بی باوری شانرا در قبال بنیادها و موسسات قدرت دولتی ابراز میدارند، با انجام تبلیغات وسیع و با استفاده از برخی دستاوردها در عرصه اطلاعاتی، بسی گروه‌هایی از نوع تروریستی را نیز به جمع "خلافت اسلامی" (داعش) پیوند داده و عده بیشتری از اقشار مختلف اجتماع را در صفوف "خلافت" متذکره و در کنار هم قرار دادند، تلاش آنها در امر جذب جوانان که از نیروی بیشتری برخوردار می‌باشند، تشدید گردید. بنابراین، نهادهای اجتماعی و بنیادهای حکومتی به ضرورت مبارزه دوامدار و همه جانبه علیه ایدئولوژی تروریسم و پروپاگندهای بنیادگرا ها تأکید می‌ورزند.

متذکر باید گردید که باید به فراخوان اشخاص و افراد شاغل و وارد در مسایل و امور دینی و مذهبی بمنظور کمپاین و راه اندازی کارزار وسیع و گسترده در امر مبارزه مرگ و زندگی با بنیادگراهای تروریست، همت گماشته، در این امر انسانی سهم گرفته و در کنار دیگران و همراه و همگام با آنها وجیبه و رسالت تاریخی خویش را انجام داد.

این واقعیت را نباید فراموش نمود که سعی و کوشش فراوان باید صورت گیرد تا اصل بیگانه هراسی میان اهالی ریشه کن گردیده و در خصوص همبستگی بیشتر و فراگیرتر اهالی منطقه و ناحیه مربوطه باید سعی بخرچ داد. وضعیت و حالت کنونی همه را فرا میخواند تا با اقدامات قاطع و فیصله کننده در عرصه طرح نقشه بمنظور جستجوی راهها، طرق و وسایل وارد نمودن ضربات کوبنده و عملیاتی برگروهبندیهای مورد نظر و وارد نمودن فشارهای اطلاعاتی و ایدئولوژیکی بر حرکتها و سازمانهای تروریستی متوسل گردند. نباید فراموش نمود که آمادگیها و عملکردهای متناسب در قبال اقدامات پس پرده تروریستها از مسایل قابل ذکر پنداشته میشود.

با جمع بندی مسایل و جریانات متذکره، باید یادآور شد که در وضع کنونی بیش از هر زمان دیگر، که سراسر جهان را خطر حملات تروریستی تهدید مینماید، ضرورت درک و شناخت عناصر متذکره و مبارزه قاطع و فیصله کن علیه آنها، علیه مسببین و عاملان حملات تروریستی، احساس گردیده تا با اقدامات قاطع و سرکوب کننده ای علیه آنها، جهان را از شر آنها و از عواقب خطرناک و تباہ کننده فعالیت‌های آنها نجات داده و بشریت را از این مخاطرات برای همیشه استخلاص ورهایی بخشید.

در اوضاع کنونی، عمده ترین مشکل و معضله موجود در قبال حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور، نیروی نوظهور و جدیدی که به نام "خلافت اسلامی" (داعش)، سربلند نموده است، می‌باشد. نیروهای متذکره، نه تنها بصورت سنتی در جنوب کشور، بلکه حتی اکنون در صفحات شمال کشور نیز جایجا گردیده و مصروف تخم گذاری بمنظور ایجاد هسته هایشان می‌باشند. در وضعیت کنونی در شمال کشور، عده ای از آنها عمدتاً در مناطقی از ولایت فاریاب و کندز موجود می‌باشند، بیشترین تعداد بیگانه ها نیز در

صفوف " خلافت اسلامی" (داعش) موجودند. اگر "طالب"ها بصورت عمده از جمع باشندند های افغانستان وپښتون های پاکستان سربازگیری نموده اند، اما در صفوف "خلافت اسلامی"(داعش)، بسیاری از عربها، چیچینی ها، ایگورها و ملیت های دیگر نیز موجود میباشند که پس از "غسل تعمید" در آتش جنگهای عراق و سوریه به افغانستان وارد گردیده وهدف خویش را بصورت آشکار، پیوستن به صفوف "خلافت اسلامی"(داعش) اعلام میدارند. یادآور باید شد که ایران، دشمن درجه یک "خلافت" نامبرده محسوب میگردد و بنا بر همین ملحوظ است که برادران هزاره ما مورد بیشترین حملات خشونت بار گروه نامبرده قرار می گیرند.

با پیوستن جمعی از "طالب"ها به صفوف "خلافت اسلامی"(داعش)، حملات گروه اخیر الذکر بر بسیاری از مناطق کشور افزایش حاصل نموده و با سبعت فزاینده ای بر علیه اهالی ملکی بیدفاع کشور به اقداماتی از نوع خاص خودشان متوسل گردیدند. آنها در آغازین روزهای فصل بهاری، به انجام عملیات نظامی پرداخته وبگفته آنها، این عملیات و اقدامات آنها علیه خارجی ها و مقامات محلی طرفدار خارجی ها برای انداخته شد. در آغازین روزهای سالروان، جنگجویان، ولایت های کلیدی چون بدخشان، کندز، فاریاب و بادغیس را تحت کنترل خویش قرار دادند. در ولایت های متذکره، رهبری دولتی صرف بر مرکز ولایت های یادشده موجود بود. همه مناطق بود وباش اهالی تحت کنترل جنگجویان مخالف قرار گرفته وبسیاری از باشندند های ولایت های مورد نظر ناگزیر به ترک خانه و کاشانه شان گردیده و به ولایت های همجوار نقل مکان نمودند، چه، خطر مرگ همه را مورد تهدید قرار میداد.

در کابل اعلام نمودند که پیشروی های جنگجویان مخالف دولت در شمال کشور توقف داده شده است. اما گزارشها از ولایتها و مناطق شورشی، شک و تردیدها در مورد را افزایش بخشید. در ختم ماه جوزای سال روان، حملات شورشیان از سر گرفته شد. آنها موفق گردیدند بر بسیاری از بخشهای کندز مسلط گردیده و مرکز اداری کندز را با جمعیتی در حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز تحت کنترل خویش قرار دهند. مقام های مسوول ولایت بدخشان، بنوبه خود به حاکمیت مرکزی در کابل هوشدار دادند که اگر در مورد، اقدامات بنیادی بمنظور دفع حملات متذکره صورت نگیرد، ممکن تشدد طلبان همه منطقه متذکره را تحت کنترل و اداره خویش قرار دهند. در ختم ماه متذکره، مخالفان مسلح، این موضوع را عملاً باثبات رسانیدند که میتوانند و قادرند تا تحکیمات دولتی را از میان برداشته و مراکز ولایات را نیز تحت حملات شان قرار دهند، اما قادر به نگهداری آن نمی باشند.

در اینجا سوالی مطرح میگردد که کیها و چه کسانی بمثابة جاده صاف کن ورود جنگجویان "خلافت اسلامی" به افغانستان، به خوشخدمتی پرداختند؟

قبل از همه خاطر نشان باید ساخت که چندی قبل در صفحات شمال کشور، تمامی نشانه های موجودیت درهم و برهمی بمشاهده میرسید. مخالفان مسلح به حمله بر چندین شهر و مراکز اداری افغانستان در همسایگی با تاجیکستان و ازبکستان پرداختند، جنگجویان نه تنها تهدیدها و خطراتی را متوجه حاکمیت مرکزی در کابل نمودند، بلکه در هر لحظه آماده ادامه حملات به کشورهای همجوار نیز بودند. اوضاع زمانی بدتر و وخیم تر از همیشه گردید که گروههای تشدد طلب وبخشی از "طالب"ها به صفوف "خلافت

اسلامی" (داعش) پیوستند، خلافتی که با نیروها و شبکه های خارجی و بیگانه از ارتباط مستقیم و تنگاتنگی برخوردار میباشد.

بهاران، زمانیکه راهها و مسیرهای عبور و مرور در مناطق کوهستانی کشور بمنظور رفت و آمد قسماً مساعد میگردد، "طالب"ها بصورت معمول و همیشگی به رجزخوانی پرداخته و از آغاز حملات و اجرای پروگرامهای تهاجمی شان خبر میدهند. نباید فراموش نمود که اوضاع در سرحدات افغانستان - تاجیکستان و همچنان در مرز میان افغانستان - ترکمنستان متشنج گردیده و مشکلات و معضلاتی را باعث گردیده است. در چنین حالت و اوضاعی، عشق آباد و دوشنبه بمنظور حفظ امنیت و آرامش در مناطق متذکره، اقدامات مقتضی و لازمی را به منصفه اجرا قرار داده، به تعداد محافظان سرحدی افزوده و اقدامات بیشتری بمنظور تحفظ مرزها صورت گرفت. بطور مثال، تعداد نظامیان در پایگاه نظامی ۲۰۱ روسیه در تاجیکستان افزایش پذیرفته و اقدامات اضافی نظامی و محاروبی در دستور روز قرار گرفت.

در کنار سایر مسایل موجود در کشور عزیز ما، مسأله درهم و برهمی دولتمداری، خود، وضعیت بحرانی حکومتمداری را سبب گردید. در مورد تعیین پست ها و مقام های دولتی و همچنان در مورد بسیاری از مسایل کشور، میان رئیس جمهور و رئیس اجرایی، اختلافات و ضد و نقیض گویی های فراوانی وجود دارد، تا کنون که کشور در حالت جنگ قرار دارد، اما از موجودیت وزیر دفاع کشور خبری نیست که نیست و وزارتتی با این اهمیت تا کنون توسط شخص سرپرست اداره میگردد، کوششهای پیهم در مورد، اصلاً دردی را دوا نکرده، چه طی ماههای جوزا و سرطان، پارلمان کشور برای دومین مرتابه، کاندید مورد نظر وزارت متذکره را مورد پذیرش قرار نداده و نامبرده نتوانست رأی موافق نمایندگان پارلمان را بدست آورد. نیروهای خارجی موجود در افغانستان و حلقات سیاسی معینی، در پیچیده شدن اوضاع و وضعیت در افغانستان نقش مستقیم و غیر قابل انکاری دارند، نحوه عملکردهای آنان باعث عدم موجودیت امنیت دایمی در کشور گردیده و مانع ایجاد صلح پایدار و همیشگی در سرزمین بلاکشیده ما گردید.

بر ما افغانهاست تا بر چنین وضعیتی خاتمه بخشیده و بیش از این اجازه ندهیم تا دیگران در مورد سرنوشت ما، در مورد هست و بود ما، در مورد نحوه و چگونگی عملکرد ما، در مورد مقدرات مردم بلاکشیده ما، در مورد تعیین دوست و دشمن ما، در مورد انتخاب راه و روش زندگی و تعیین آینده ما، بعوض ما و دورتر از ما تصمیم اتخاذ نمایند.

بیست و هشتم ماه نوامبر سال ۲۰۱۵